

## خطبه امیرالمومنین علیه السلام در روز عید قربان

امیرالمومنین علیه السلام بعد از نماز ، بالای منبر رفتند  
و شروع به خواندن خطبه نمودند و فرمودند :

اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ زِينَةُ عَرْشِهِ وَ رِضَا نَفْسِهِ وَ عَدَدُ  
قَطْرِ سَمَائِهِ وَ بِحَارِهِ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ  
حَتَّى يَرْضَى وَ هُوَ الْعَزِيزُ الْغَفُورُ اللَّهُ أَكْبَرُ كَبِيرًا مُتَكَبِّرًا وَ  
إِلَهَا مُتَعَزِّزًا وَ رَحِيمًا مُتَحَنِّنًا يَعْفُو بَعْدَ الْقُدْرَةِ وَ لَا يَقْنَطُ  
مِنْ رَحْمَتِهِ إِلَّا الضَّالُّونَ

اللَّهُ اکبر، اللَّهُ اکبر، اللَّهُ اکبر، همسنگ عرش او و رضای  
خاطرش، و بشماره قطره‌های باران از آسمانش و دریا‌هایش،  
أسماء حسنی مخصوص او است، و سپاس و ستایش تقدیم  
به پیشگاه او چندان که راضی گردد. و او همان خدای  
مقتدر آمرزگار است. خداوند بالاتر و بزرگتر از آنست که  
بحدّ وصف درآید، در حالی که باوج کبریاء و تکبر برآمده، و  
در مقام معبودی مقتدر و رحیمی مهربان جای گرفته است،

هم او که پس از قدرت بر کیفر و انتقام عفو میکند، و  
جز گمراهان از رحمت او نومید نمی‌شوند.

**اللَّهُ أَكْبَرُ كَبِيرًا وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ كَثِيرًا وَ سُبْحَانَ اللَّهِ حَنَّانًا  
قَدِيرًا وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ نَحْمَدُهُ وَ نَسْتَعِينُهُ وَ نَسْتَغْفِرُهُ وَ  
نَسْتَهْدِيهِ وَ نَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَ أَنْ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ  
رَسُولُهُ**

خداوند بزرگ تر از آن است که توصیف شود و خدائی جز الله  
نیست و منزّه است خدائی که حنان و قدرتمند است او را  
سپاس می‌گذاریم، و ستایش می‌کنیم و از او یاری می‌خواهیم،  
و آمرزش می‌جوئیم، و هدایت می‌خواهیم، و شهادت می‌دهیم  
که هیچ معبود حقّی جز او نیست، و محمد صلی الله علیه  
و آله بنده او و فرستاده اوست.

**مَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ فَقَدْ اهْتَدَى وَ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا وَ  
مَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا وَ خَسِرَ  
خُسْرَانًا مُبِينًا**

کسی که از خدا و پیامبرش اطاعت کند، در حقیقت هدایت یافته و برستگاری بزرگی نائل گشته، و کسی که خدا و پیامبرش را نافرمانی کند سخت گمراه شده، و بزیانی بس آشکار دچار گشته است.

**أَوْصِيكُمْ عِبَادَ اللَّهِ بِتَقْوَى اللَّهِ وَكَثْرَةَ ذِكْرِ الْمَوْتِ وَالزُّهْدِ  
فِي الدُّنْيَا الَّتِي لَمْ يَتَمَتَّعْ بِهَا مَنْ كَانَ فِيهَا قَبْلَكُمْ وَ لَنْ  
تَبْقَى لِأَحَدٍ مِنْ بَعْدِكُمْ وَ سَبِيلَكُمْ فِيهَا سَبِيلُ الْمَاضِينَ**

شما را - ای بندگان خدا - سفارش میکنم به تقوای خدا، و یاد کردن بسیار از مرگ، و زهد در دنیائی این چنین که مردم پیش از شما کامی از آن نگرفته، و طرفی از آن نبسته‌اند، و پس از شما نیز برای کسی باقی نخواهد ماند، و سرنوشت شما در این دنیا لا جرم همان سرنوشت گذشتگان است.

**أَلَا تَرَوْنَ أَنَّهَا قَدْ تَصَرَّمَتْ وَ آذَنْتْ بِانْقِضَاءِ وَ تَنَكَّرَ مَعْرُوفُهَا  
وَ أَدْبَرَتْ حَذَاءَ فَهِيَ تُخْبِرُ بِالْفَنَاءِ وَ سَاكِنُهَا يُحْدِي بِالْمَوْتِ  
فَقَدْ أَمَرَ مِنْهَا مَا كَانَ حُلُوًّا وَ كَدِرَ مِنْهَا مَا كَانَ صَفْوًا فَلَمْ**

يَبْقَ مِنْهَا إِلَّا سَمَلَةٌ كَسَمَلَةِ الْإِدَاوَةِ وَ جُرْعَةٌ كَجُرْعَةِ الْإِنَاءِ  
يَتَمَرُّهَا الصَّديَانُ لَمْ تَنْفَعْ غُلَّتُهُ

آیا نمی بینید که دنیا سپری شده، و مدتش طی گشته، و  
اعلام زوال کرده، و آشنایش نا آشنا گشته. و خود [دنیا]  
شتابان روی برتافته، چنان که از فنا خبر میدهد، و آهنگ  
مرگ بگوش ساکن آن سروده می شود، چندان که شیرینیهای  
آن تلخ شده، و آب زلال آن کدورت گرفته، تا بجز قطراتی  
در ته مشربه ای، و جرعه ای همانند جرعه باقیمانده در ته  
ظرفی که تشنگی تشنه کامی با مکیدنش فرو نمی نشیند از  
آن بجای نمانده است.

فَأَزْمِعُوا عِبَادَ اللَّهِ بِالرَّحِيلِ مِنْ هَذِهِ الدَّارِ الْمَقْدُورِ عَلَى  
أَهْلِهَا الزَّوَالِ الْمَمْنُوعِ أَهْلِهَا مِنَ الْحَيَاةِ الْمُدَلَّلَةِ أَنْفُسُهُمْ  
بِالْمَوْتِ فَلَا حَى يُطْمَعُ فِي الْبَقَاءِ وَلَا نَفْسٌ إِلَّا مُدْعِنَةٌ  
بِالْمُنُونِ

پس از بندگان خدا برای کوچ از این سرای بسیج شوید، از  
این سرائی که فنا بر اهل آن مقدر شده، و ساکنینش از

بقاء ممنوع گشته‌اند، و جانهاشان بخواری مرگ کشیده شده است، چنان که هیچ زنده‌ای در بقاء طمع نبندد، و جانی نیست مگر آنکه فرمان مرگ را گردن نهاده باشد.

**فَلَا يَغْلِبَنَّكُمُ الْأَمَلُ وَلَا يَطُلْ عَلَيْكُمُ الْأَمَدُ وَلَا تَغْتَرُوا فِيهَا  
بِالْأَمْوَالِ وَتَعْبُدُوا اللَّهَ أَيَّامَ الْحَيَاةِ**

پس مبادا که آرزو بر شما چیره گردد، و پایان عمر و اجل را دور بیندارید. و در دنیا فریفته آرزوها مشوید، و چند روزه زندگی را بعبادت خدا پردازید.

**فَوَاللَّهِ لَوْ حَنَنْتُمْ حَنِينَ الْوَالِدِ الْعَجَلَانَ وَدَعَوْتُمْ بِمِثْلِ  
دُعَاءِ الْأَنْامِ وَجَارْتُمْ جَوَارَ مُتَبَلِّلِ الرَّهْبَانِ وَخَرَجْتُمْ إِلَى  
اللَّهِ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ التَّمَاسِ الْقُرْبَةَ إِلَيْهِ فِي ارْتِفَاعِ  
دَرَجَةٍ عِنْدَهُ أَوْ غُفْرَانِ سَيِّئَةٍ أَحْصَتْهَا كِتَابَتُهُ وَحَفِظَتْهَا رُسُلُهُ  
لَكَانَ قَلِيلًا فِيمَا أَرْجُو لَكُمْ مِنْ ثَوَابِهِ وَاتَّخَوْفُ عَلَيْكُمْ مِنْ  
أَلِيمِ عِقَابِهِ**

زیرا بخدا سوگند اگر شما در طلب قرب به ساحت قدس خدا در بالا رفتن درجه‌ای نزد او یا آمرزیده شدن گناهی که نویسندگان او آن را احصاء نموده‌اند و فرشتگان موکل بر اعمال بندگان آن را ثبت و ضبط کرده‌اند، همچون مادر سرگشته غمزده فرزند از دست داده‌ای بنالید، و مانند خلائق نوحه سر کنید، و فریاد تضرع و استغاثه‌ای بسان راهبان تارك دنیا از دل برآورید، و از اموال و اولاد خود دل برکنید، هر آینه این اعمال در برابر ثوابی که من از جانب او برای شما امید میدارم، و نجات از عقاب دردناکی که از نزول آن بر شما می‌ترسم، بهائی اندک است.

و بِاللَّهِ لَوْ أَنْمَأَتْ قُلُوبُكُمْ أَنْمِيَانًا وَ سَأَلَتْ عِيُونُكُمْ مِنْ رَغْبَةٍ  
إِلَيْهِ وَ رَهْبَةٍ مِنْهُ دَمَا تُمْ عُمُرْتُمْ فِي الدُّنْيَا مَا كَانَتْ الدُّنْيَا  
بَاقِيَةً مَا جَزَتْ أَعْمَالُكُمْ وَ لَوْ لَمْ تُبْقُوا شَيْئًا مِنْ جُهْدِكُمْ  
لِنِعْمَةِ الْعِظَامِ عَلَيْكُمْ وَ هُدَاهُ إِيَّاكُمْ إِلَى الْإِيمَانِ مَا كُنْتُمْ  
لَتَسْتَحِقُّوا أَبَدَ الدَّهْرِ مَا الدَّهْرُ قَائِمٌ بِأَعْمَالِكُمْ جَنَّتُهُ وَ لَا  
رَحْمَتَهُ

و بخدا قسم اگر شما از سر شوق و از روی رغبت بسوی خدا، و بعلت بیم و هراس از او دلہاتان گداخته و ذوب شود، و چشمہاتان از شدت ترس و دہشت خون شود، و بجای اشک خون بگرید و بر گونه‌ہایتان روان گردد، و آنگاہ تا دنیا باقی است در فضای آن زندگی کنید، و سراسر عمرتان را بہ انقطاع و عبادت خدا بگذرانید، و در برابر نعمتہای عظیمی کہ بشما ارزانی داشته، و اینکہ شما را بسر منزل ایمان رہبری کردہ، منتہای کوشش خود را بکار برید، ہرگز و تا جہان بر پا باشد بوسیلہ اعمالتان استحقاق بہشت او و رحمت او را نخواہید یافت.

**وَ لٰكِنْ بِرَحْمَتِهِ تُرْحَمُونَ وَ يَهْدَاهُ تَهْتَدُونَ وَ بِهٰمَا اِلٰى جَنَّتِهِ  
تَصِيرُونَ جَعَلَنَا اللّٰهُ وَ اِيَّاكُمْ مِنَ التَّائِبِينَ الْعَابِدِينَ**

ولی شما بہ برکت رحمت او مورد ترحم واقع می‌شوید، و در پرتو راهنمایی او ہدایت می‌یابید، و با مدد آن رحمت و ہدایت سرانجامتان بسوی بہشت او خواہد بود. خداوند ما و شما را از تائبان و عابدان قرار دہد.

وَإِنَّ هَذَا يَوْمٌ حُرْمَتُهُ عَظِيمَةٌ وَبَرَكَتُهُ مَأْمُولَةٌ وَالْمَغْفِرَةُ  
فِيهِ مَرْجُوءَةٌ فَأَكْثِرُوا ذِكْرَ اللَّهِ تَعَالَى وَاسْتَغْفِرُوا لَهُ وَتُوبُوا  
إِلَيْهِ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ

و امروز روزی است که حرمتی بس بزرگ دارد، و برکتش  
مورد امیدواری است، و در این روز امید آمرزش گناهان  
میرود، پس خدا را بسیار یاد کنید و از او آمرزش  
بخواهید، و بدرگاه او توبه کنید، زیرا که او توبه پذیری  
مهربان است.

وَمَنْ ضَحَّى مِنْكُمْ بِجَذَعٍ مِنَ الْمَعَزِ فَإِنَّهُ لَا يُجْزَى عَنْهُ وَ  
الْجَذَعُ مِنَ الضَّأْنِ يُجْزَى وَ مِنْ تَمَامِ الْأُضْحِيَّةِ اسْتِشْرَافُ  
عَيْنِهَا وَ أُذُنِهَا وَإِذَا سَلِمَتِ الْعَيْنُ وَ الْأُذُنُ تَمَّتِ الْأُضْحِيَّةُ وَ  
إِنْ كَانَتْ عَضْبَاءَ الْقَرْنِ أَوْ تَجُرُّ بِرِجْلَيْهَا إِلَى الْمَنَسِكِ فَلَا  
تُجْزَى

و اگر کسی از شما بزغاله‌ای را [در مقام قربانی حج] قربان  
کند کفایت نخواهد کرد، ولی قربان کردن بزّه‌ای کفایت



میکند، و از شروط کمال قربانی معاینه و بازرسی چشم و گوش آن است، و چون چشم و گوش آن سالم باشد قربان درست و تمام است. و اگر شاخ آن شکسته باشد یا پای خود را در راه قربانگاه بزمین بکشد. کفایت نمیکند (چون این عیوب ظاهری علامت بیماری حیوان است و بهمین ملاحظه بهای آن کمتر است).

**وَ إِذَا ضَحَيْتُمْ فَكُلُوا وَ أَطْعِمُوا وَ أَهْدُوا وَ أَحْمَدُوا اللَّهَ عَلَى مَا رَزَقَكُمْ مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ وَ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ وَ أَحْسِنُوا الْعِبَادَةَ وَ أَقِيمُوا الشَّهَادَةَ**

و چون مراسم قربانی را برگزار کردید، از گوشت قربانی بخورید، و هدیه بدهید، و خدا را بپاس این نعمت که گوشت شتران و گاوان و گوسپندان را روزی شما ساخته سپاسگزاری کنید، و نماز را بپا دارید، و زکات را پردازید، و عبادت را کامل و نیکو بجا آورید، و گواهی را اقامه کنید (یعنی کتمان شهادت نکنید)

وَارْغَبُوا فِي مَا كَتَبَ عَلَيْكُمْ وَفَرَضَ مِنَ الْجِهَادِ وَالْحَجِّ وَالصِّيَامِ فَإِنَّ ثَوَابَ ذَلِكَ عَظِيمٌ لَا يَنْفَدُ وَتَرْكُهُ وَبَالٌ لَا يَبِيدُ وَأَمُرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ

و در انجام کار جهاد و حجّ و روزه که بر شما واجب شده راغب باشید و اشتیاق نشان دهید، زیرا ثواب آن عظیم و فناپذیر است، و ترك آن وبالی است که هرگز از میان نمی‌رود، و امر بمعروف و نهی از منکر را بجا آورید،

وَأَخِيفُوا الظَّالِمَ وَانصُرُوا الْمَظْلُومَ وَخُذُوا عَلَى يَدِ الْمُرِيبِ وَ أَحْسِنُوا إِلَى النِّسَاءِ وَ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَ اصدقُوا الْحَدِيثَ وَ اَدُّوا الْأَمَانَةَ وَ كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْحَقِّ وَ لَا تَغُرَّنَّكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَ لَا يَغُرَّنَّكُمُ بِاللَّهِ الْغُرُورُ

و چنان کنید که ستمکار بی‌مناک و ترسان شود، و ستمدیده را یاری کنید، و آن کس که مردم را به شك و تردید دچار میکند ویرا از انتشار شك و ریب در عقاید مردم بازدارید، و با زنان و بردگان خوش رفتاری کنید، و در سخن گفتن صادق باشید، و امانت را بصاحبش بازگردانید، و بی‌پادارندگان حق باشید،

زندگانی دنیا و شیطان فریبنده شما را نفریبد و از اطاعت خدا  
بازندارد.

**إِنَّ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ ذِكْرُ اللَّهِ وَ أَبْلَغَ مَوْعِظَهُ الْمُتَّقِينَ كِتَابُ  
اللَّهِ أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ  
الرَّحِيمِ. قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ. اللَّهُ الصَّمَدُ. لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ.  
وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ**

بیگمان بهترین سخن ذکر خدا، و رساترین موعظه پرهیزکاران  
کتاب خداوند عزیز و حکیم است. و سپس آن حضرت گفت:  
اعوذ بالله من الشیطان الرجیم - و سوره قل هو الله احد را  
قراءت فرمود.

من لایحضره الفقیه جلد ۱ صفحه ۵۱۸